

اسلام در قواری یک مکتب اجتماعی

انسان مسلمان در عصر شهید صدر^(ره) دو مشکل اساسی داشت و تلاش ایشان در این دوران (که در آثار ایشان نیز منعکس شده) منعطف به حل این دو معضل مهم جهان اسلام بود:

۱. **معرفت‌شناسانه:** بدین معنا که هیچ‌گاه نمی‌توانست جامعه اسلامی و حتی پیش‌تر از آن نظام اجتماعی اسلام را در غالب یک مکتب و راهبر اجتماعی در برابر دوگانه لیبرالیسم و مارکسیسم تصور کند در حدی که به تعبیر شهید صدر^(ره) **تصور عبارت اقتصاد اسلامی در دوران معاصر ایشان مانند مثلث چهار ضلعی محال بود!**

۲. **روانشناختی:** انسان مسلمان حتی اگر می‌توانست نظام اجتماعی اسلام را تصور کند، هیچ باوری نسبت به قدرت اسلام در حل معضلات اجتماعی نداشت.

اولین حرکت شهید صدر^(ره) **ایجاد تصور و ذهنیت نسبت به مکتب اجتماعی اسلام** بود، ایشان در **"اقتصادنا"** و **"فلسفتنا"** با تکیه بر میراث فقهی و معرفتی شیعه، اسلام را در قواره یک مکتب منسجم اجتماعی مطرح کردند، کاری که تا پیش از شهید صدر^(ره) به طور منسجم شکل نگرفته بود و توان ایجاد یک تصور درست برای انسان مسلمان را نداشت و بسیاری از تلاش‌های قبل از ایشان منجر به تعریف کردن اسلام در بستر مارکسیسم و یا لیبرالیسم و تولد **اسلام التقاطی** می‌گشت.

قسمت دیگری از تلاش‌های ایشان معطوف به **ایجاد باور به کارآمدی مکتب اسلام در حل مسائل عینی انسان مسلمان** است که در کتاب **"اسلام یقود الحیات"** به روشنی منعکس شده است. نقطه حائز اهمیت و شاید به نوعی فلسفه رجوع ما به شهید صدر^(ره) و دیگر آثار متفکرین اسلامی، **استقرار ما در کلان مشکلات و معضلات نیم قرن گذشته است.** به رغم انقلاب اسلامی و حرکت رو به رشد جهان اسلام، هنوز قسمت عمده‌ای از جامعه‌ی عمومی و نخبگانی مسلمان با دو معضل معرفت‌شناختی و روان‌شناختی در تصور مکتب اسلام و باور به مکتب اسلام دچار هستند.